

تحلیل سازه‌انگاره ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پسابرجام

سعید سلیمان‌زاده^۱ - علی امید^۲ - عنایت‌الله یزدانی^۳

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

مجموعه حوادثی چون انقلاب اسلامی، تسخیر سفارت آمریکا، بحران گروگان‌گیری و ترسداد امریکایی ایران بعد از ۱۹۷۹، منجر به پدیده‌ای به نام ایران‌هراسی در جهان غرب بویژه آمریکا شده است. اگرچه گمان می‌رفت رویکرد تعامل با غرب و توافق هسته‌ای در دولت یازدهم مؤلفه ایران‌هراسی را تضعیف نماید، ولی در عمل تغییر محسوسی در این زمینه صورت نگرفت و رویکرد تهاجمی دونالد ترامپ و افراد کابینه‌اش علیه تهران، حکایت از تشدید ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا دارد. در این پژوهش، سؤال اصلی این است که دلایل، اهداف و پیامدهای ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پسابرجام چیست؟ فرضیه اصلی مقاله بر این است که نقش «مک‌کارتیسم جدید در بازار ایده‌ها»، «هویت دولت» و «کنش‌های گفتاری» از مهم‌ترین دلایل تداوم ایران‌هراسی در دوران پسابرجام محسوب می‌شوند که از جمله مهم‌ترین اهداف آن نیز «القای هزینه‌مند بودن رابطه با ایران به منظور جلوگیری از بهبود اوضاع اقتصادی این کشور» و «تغییر رفتار جمهوری اسلامی نسبت به برخی مسائل منطقه‌ای و داخلی» ارزیابی می‌گردد. در نهایت مهم‌ترین پیامدهای آن نیز می‌تواند «احتمال فروپاشی برجام» و «بازتولید مجدد الگوی تخاصم و دشمنی بین دو کشور» باشد. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و از منابع مکتوب و مجازی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

واژگان کلیدی: ایران‌هراسی، پسابرجام، سازه‌انگاری، سیاست خارجی، مک‌کارتیسم جدید

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

سااید سلیمان‌زاده saeid.soleimanzadeh@yahoo.com

علی امید al.omidi@gmail.com

عنایت‌الله یزدانی yazden2013@gmail.com

مقدمه

ایران و کشورهای گروه ۵+۱ شامل آمریکا، چین، روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش به توافق هسته‌ای موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ دست یافتند. پس از اجرای تعهدات دو طرف بر اساس برجام، تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای ایران در تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) در پی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۲ مبنی بر پایبندی ایران به تعهداتش لغو شد. از این دوران که با پایان یافتن تحریم‌های ضد ایرانی آغاز شده است، عموماً با عنوان «پسا برجام»^۳ یا «پساتحریم»^۴ یاد می‌شود.

اثر روانی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی منجر به هزینه‌مند بودن رابطه با ایران، از دست رفتن اطمینان نسبت به آینده اقتصادی این کشور و انزوای بین‌المللی آن شده بود. از طرف دیگر اثر روانی برجام و لغو تحریم‌ها می‌توانست شرایط مساعدی برای اطمینان نسبت به آینده اقتصاد ایران و فرصت سرمایه‌گذاری ایجاد کرده و جمهوری اسلامی را از انزوا خارج کند، اما تداوم سیاست‌های ایران‌هراسانه آمریکا مانع از امکان تحقق این فرصت‌ها شده است. مخالفان توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا با تهدید به تحریم و موضع‌گیری‌های سخت در برابر ایران، سعی در ارسال این پیغام به دولت‌های متمایل و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی داشته‌اند که هنوز برقراری ارتباط دوستانه با ایران هزینه‌مند است. در این شرایط، نگرانی از اعمال مجدد جریمه‌ها و تحریم‌های آمریکا، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده و این مسئله اعتراض جمهوری اسلامی مبنی بر ناچیز بودن دستاوردهای عینی برجام را به همراه داشته است. تخریب‌کنندگان خارجی نیز نقش مهمی در ناکام گذاشتن ایران در بهره‌مندی از نتایج برجام ایفا کرده‌اند. نگرانی اسرائیل و عربستان از برجام باعث شده تا این دو کشور علی‌رغم اختلافاتی که با یکدیگر دارند، در اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران به اشتراک نظر واحدی برسند و آن تلاش برای شکست توافق هسته‌ای از طریق تحریک کنگره به اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران بوده است. در مقابل، موافقان توافق هسته‌ای همواره بر این مسئله تأکید داشته‌اند که بازگرداندن تحریم‌ها کار آسانی نیست و آمریکا دیگر نخواهد توانست ائتلافی بین‌المللی برای تحریم ایران ایجاد کند.

این مقاله استدلال می‌کند که یکی از مهم‌ترین دلایل نگرانی و خشم تندروها از توافق

1. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

2. International Atomic Energy Agency (IAEA)

3. Post-JCPOA

4. Post-Sanction

هسته‌ای و تأیید فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این است که برجام عمیقاً بر بازار ایده‌ها^۱ در آمریکا تأثیرگذار بوده و به ضرر برخی ایده‌های ضد ایرانی، عاملان و طراحان اصلی آن‌ها تمام شده است. این پژوهش با معرفی نوعی مک‌کارتیسم جدید^۲ در بازار ایده‌ها و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اینکه مهم‌ترین کارویژه لابی‌ها فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز تصمیم‌سازان و سپس اعمال نفوذ است؛ استدلال می‌کند که برخی لابی‌های قدرتمند عملاً با برهم زدن عملکرد مناسب بازار ایده‌ها، برتری پارادایم خاصی همچون ایران‌هراسی^۳ را حفظ می‌کنند. این گروه‌های فشار متناسب با میزان نفوذ و تأثیرگذاری خود بر کنگره و دستگاه سیاست خارجی آمریکا، ایده‌های طرفدار همکاری با ایران را طرد و در مقابل از ایده‌هایی که ترسیم‌کننده ایران به عنوان یک تهدید جدی علیه صلح و امنیت جهانی و منطقه‌ای باشند، حمایت می‌کنند. از این‌رو ساده‌انگارانه است که تصور کنیم دولت ایالات متحده بر حسب اختیار و تشخیص خود تصمیمات نهایی را می‌گیرد؛ در واقع دولت همچنان باید به موضوعاتی در سیاست خارجی تمایل نشان دهد که با تفکر نیروها و مراکز سیاسی قدرتمند در ایالات متحده همسو باشند. در پژوهش حاضر مقصود از سیاست خارجی آمریکا، مجموعه سیاست‌های اعلامی و اعمالی اتخاذ شده توسط رئیس‌جمهور، وزارت امور خارجه، کنگره (شامل کمیته روابط خارجی سنا و کمیته روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان)، شورای امنیت ملی، آژانس اطلاعات مرکزی (CIA) و لابی‌های قدرتمند مؤثر در سیاست خارجی این کشور است.

در این پژوهش، ضمن استفاده از دو نحله سازه‌انگاری محافظه‌کار^۴ (نسخه الکساندر ونت^۵) و قاعده‌محور^۶ (نسخه نیکلاس اونف^۷)، به ترتیب نقش «هویت دولت»^۸ و «کنش‌های گفتاری»^۹ کارگزاران دستگاه سیاست خارجی آمریکا و به تبع آن، ایران‌هراسی در سیاست خارجی این کشور مطالعه می‌شود. لازم به ذکر است که در ایران، اغلب مطالعات سازه‌انگاری پیرامون موضوعات مختلف، عموماً از سطح سازه‌انگاری محافظه‌کار فراتر نرفته‌اند. همچنین از آنجایی که مقوله هویت و دستاوردهای برجام در حال حاضر به مهم‌ترین دغدغه‌های جمهوری اسلامی

1. Marketplace of Ideas
2. New McCarthyism
3. Iranophobia
4. Conservative Constructivism
5. Alexander Wendt
6. Rule-Oriented Constructivism
7. Nicholas Onuf
8. State Identity
9. Speech Acts

تبدیل شده است؛ مطالعه ابعاد مختلف این حوزه، پاسخ به نیازهای اساسی و دغدغه‌های عمیق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است.

مبانی نظری

رویکردهای واقع‌گرایی و لیبرالیسم با تمام کاستی‌هایشان پاسخگوی بیشتر نیازهای اولیه بشر در زمینه‌های مادی، امنیت و امید به آینده‌ای رضایت‌بخش‌تر بوده‌اند. سازه‌انگاری با تمرکز روی هویت، یکی از نیازهای سطح بالاتر و در عین حال واقعی، یعنی نیاز به تعلق داشتن و نیاز به شناخته شدن از طرف دیگران (به حساب آمدن) را هدف خود قرار داده است (کوبالکووا^۱، ۱۳۹۲: ۲۹۶). این موضوع را به خوبی می‌توان در هرم مشهور مازلو درباره نیازها مشاهده کرد (Maslow, 1945). از این رو «اگر سازه‌انگاری به مسئله‌ای اساسی در زندگی انسان (غیر از ثروت یا امنیت) پرداخته باشد، آن هویت افراد به منزله کارگزاران است» (کورت^۲، ۱۳۹۲: ۲۸۰). رویکردهای سازه‌انگارانه جایگاه پایدار و مستحکمی در میان نظریه‌های روابط بین‌الملل پیدا کرده‌اند. اصطلاح سازه‌انگاری، طیف متنوعی از دیدگاه‌های نظری را شامل می‌شود که مخرج مشترک آن‌ها این فرض است که ما دسترسی مستقیمی به «واقعیت» نداریم؛ به جای آن «جهان اجتماعی» برای ما در دسترس است که از طریق نحوه‌ی تعامل ما با دیگران، ایده‌هایی که ما در مورد جهان به اشتراک می‌گذاریم و چگونگی تجربه ما از محیط پیرامون برساخته می‌شود (Schieder and Spindler, 2014: 248). هنجارها، ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها، فرآیند، ساختار اجتماعی، کارگزاری، بینادهنیت، نهادها، زبان و هویت از کلمات کلیدی ادبیات سازه‌انگاری محسوب می‌شوند.

اصطلاح سازه‌انگاری برای اولین بار در کتاب «جهان ساخته ما»^۳ (۱۹۸۹) اثر اوفن مطرح شد. ونت نیز در مقاله مشهور «آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند» با اقتباس از اصطلاح ابداع شده توسط اوفن، رویکرد نظری خود را «برسازی» نامید (Wendt, 1992: 393). با وجود اینکه اوفن در طرح دیدگاه سازه‌انگارانه پیشگام بوده است، اما این نظریه همواره توسط ونت شناخته می‌شود. دلیل اصلی آن نیز نگرش میانه و متعارف ونت است که منجر به پذیرش دیدگاه‌های او در میان رویکرد علمی و جریان اصلی روابط بین‌الملل شده که از نسخه او به عنوان

1. Kubalkova
2. Kowert
3. World of our Making

برسازی ملایم نیز یاد می‌کنند. اما رویکرد اونف به دلیل مواضع انتقادی نسبت به جریان اصلی و تردید روا داشتن در راست‌اندیشی‌های رشته روابط بین‌الملل، منزوی و از منظر اثبات‌گرایان خارج از رویکرد علمی شناخته شد. متناسب با تقسیم‌بندی سازه‌انگاری توسط کوبالکووا در کتاب «سیاست خارجی در جهان برساخته»^۱، پنج نحله مختلف برسازگی وجود دارد؛ ۱- سازه‌انگاری محافظه‌کار، ۲- سازه‌انگاری تاریخی^۲، ۳- سازه‌انگاری قاعده‌محور، ۴- سازه‌انگاری درک متعارف^۳ و ۵- سازه‌انگاری پست‌مدرن^۴ که در ادامه به دلیل گستردگی نحله‌های مختلف، تنها دو رویکرد اصلی محافظه‌کار و قاعده‌محور معرفی و مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شوند.

تاریخچه ایران‌هراسی در سیاست خارجی امریکا

همزمان با سقوط محمدرضا شاه پهلوی، متحد استراتژیک امریکا و به قدرت رسیدن مبارزان اسلام‌گرای انقلابی به رهبری آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۷۹، تغییری اساسی و بنیادین در سیاست خارجی ایران ایجاد شد. در واقع با تغییر هویت ناشی از انقلاب، سیاست خارجی ایران نیز متحول گردید. رویکرد معناگرایانه و فرهنگی انقلاب اسلامی، ساختارهای معنایی و مفاهیم بین‌الذنهانی مشترکی همچون نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفین و جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت و دفاع از مسلمین و ملت‌های ستم دیده را تولید و بازتولید کرد و با این باور قوی که اسلام برای همه‌ی جنبه‌های مختلف زندگی بشر برنامه سعادت دارد؛ همه‌ی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نیز متحول ساخت. بازتولید مفاهیم و انگاره‌های سیاسی-مذهبی توسط دستگاه‌های معرفتی متعدد، به هویت ایران قوام بخشید و مهم‌ترین عنصر هویتی جمهوری اسلامی را استکبارستیزی و مشخصاً امریکاستیزی^۵ قرار داد.

اوج تمایلات امریکاستیزانه‌ی انقلابیون در حمله‌ی دانشجویان پیرو خط امام به سفارت امریکا نمود یافت. تسخیر سفارت و گروگان‌گرفتن ۵۲ نفر از کارکنان آن به مدت ۴۴۴ روز، بحران جدیدی تحت عنوان بحران گروگان‌گیری^۶ ایجاد کرد و روابط مستحکم ایران و امریکا در دوران پهلوی را به شدت متزلزل ساخت. امریکای ابرقدرت که در جریان انقلاب اسلامی ابتکار عمل را از دست داده بود و در موضع انفعالی قرار داشت، با تسخیر سفارتش و گروگان‌گرفتن کارکنانش،

1. Foreign Policy in a Constructed World
2. Historical Constructivism
3. Commonsense Constructivism
4. Postmodern Constructivism
5. Anti-Americanism
6. Hostage Crisis

بزرگترین تحقیر دوران اخیر را متحمل شد. کارتر^۱ نیز بهای این افتضاح سیاسی را با شکست در انتخابات پرداخت کرد. این بحران که به گسست مناسبات دیپلماتیک میان دو دولت منجر شد، همراه با سایر حوادث پس از انقلاب، مقابله به مثل ایالات متحده را در پی داشته است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای امریکا در مقابل ایران، راهبرد ایران‌هراسی بوده است که طی سال‌های گذشته همواره توسط دولت‌های ایالات متحده اعم از جمهوری خواه و دموکرات، به صورت پیوسته در سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی این کشور پیگیری شده است (چشمه‌نور، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

به طور کلی می‌توان به شش مرحله یا بُرهه تاریخی اشاره کرد که ایران‌هراسی در سیاست خارجی امریکا اوج گرفته است: مرحله اول همزمان با وقوع انقلاب اسلامی و حوادث پس از آن شروع شد، مرحله دوم همسو با پروژه اسلام‌هراسی و پس از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز گردید و مرحله سوم با طرح ایده هلال‌شعیری^۲ و شیعه‌هراسی، محور مقاومت^۳ و تهدید اسرائیل مطرح شده است. مرحله چهارم به دنبال دستاوردهای جمهوری اسلامی در دانش هسته‌ای، بازدارندگی موشکی و صنایع هوافضا و مرحله پنجم همزمان با وقوع بهار عربی و تحرکات سیاسی - نظامی ایران در منطقه آغاز شده است. در نهایت مرحله ششم نیز در دوران پسابرجام با هدف القای هزینه‌مند بودن رابطه با ایران به منظور جلوگیری از بهبود اوضاع اقتصادی این کشور و تغییر رفتار جمهوری اسلامی نسبت به برخی مسائل منطقه‌ای و داخلی آغاز شده است. این پژوهش در ادامه به مطالعه دلایل، اهداف و پیامدهای مرحله ششم ایران‌هراسی در سیاست خارجی امریکا می‌پردازد.

مهم‌ترین اقدامات ایران‌هراسانه امریکا در دوران پسابرجام

تنها یک روز بعد از اعلام اجرای برجام، وزارت خزانه‌داری امریکا^۴ یکشنبه ۲۷ دی ۱۳۹۴، تعدادی شخص حقیقی و حقوقی را در ارتباط با برنامه موشکی ایران (آزمایش موشک عماد) به فهرست تحریم‌های امریکا افزود (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ الف). در مهم‌ترین اقدام بعدی، وزارت خارجه امریکا^۵ پنج‌شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۴، با ابلاغ قانون محدودیت ویزای امریکا اعلام کرد که شهروندان ۳۸ کشور جهان که قبلاً برای سفر به این کشور به ویزا نیاز نداشتند؛ اگر در پنج سال گذشته به ایران، عراق، سودان و سوریه سفر کرده باشند باید برای سفر به امریکا ویزا بگیرند

1. Carter
2. Shia Crescent
3. Axis of Resistance
4. U.S. Department of the Treasury
5. U.S. Department of State

(بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ ب).

در مهم‌ترین اقدام ایران‌هراسانه دیگر، قاضی جورج دانیلز^۱ پنج‌شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۴، ایران را متهم ردیف اول حادثه یازده سپتامبر خواند و این کشور را به پرداخت ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار جریمه محکوم کرد. قاضی مذکور مدعی شد که عوامل آن حمله تروریستی یک سال قبل از اقدام خود با دولت ایران دیدار کرده‌اند. او همچنین استدلال کرد که القاعده و حزب‌الله در موارد متعدد با یکدیگر ملاقات داشته‌اند (Maupin, 2016). در پایان سال ۱۳۹۴ نیز اواما چهارشنبه ۱۹ اسفند، دستور اجرایی مربوط به وضعیت اضطراری ملی^۲ علیه ایران را تمدید کرد. این فرمان در سال ۱۹۹۵ توسط بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا برای تشدید تحریم‌ها علیه صنعت نفت ایران صادر شده بود. اواما اظهار داشت که با وجود توافق هسته‌ای تاریخی با ایران، این کشور همچنان تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شود (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ پ).

در فروردین ماه ۱۳۹۵، گزارش سالانه وزارت امور خارجه آمریکا از اوضاع حقوق بشر در سراسر جهان، جمهوری اسلامی را در کنار حکومت‌هایی نظیر کره شمالی، کوبا، تاجیکستان و چین یک حکومت «استبدادی» توصیف کرد که به طور گسترده حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم را نقض می‌کند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ ت). وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز روز پنج‌شنبه ۵ فروردین ۱۳۹۵، با صدور بیانیه‌ای تحریم‌های جدیدی علیه ایران به دلیل برنامه‌های موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای اعمال کرد. دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا اشخاص و شرکت‌هایی را به خاطر حمایت از برنامه موشکی ایران و حمایت از شرکت هواپیمایی ماهان‌ایر، در فهرست تحریم‌ها قرار داد (U.S. Department of the Treasury, 2016).

روز پنج‌شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۹۵، جاش ارنست^۳ سخنگوی کاخ سفید اظهار داشت که «محدودیت‌های عمده برای صنایع آمریکایی در تجارت با ایران همچنان به جای خود باقی است... تا زمانی که بینیم ایران راهی را برگزیده که نشان از تعهد این کشور به پایبندی به اصول بین‌المللی درباره حقوق بشر، تروریسم و برنامه نظامی است، در این زمینه تغییری روی نخواهد داد» (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ ث). اواما نیز روز جمعه ۱۳ فروردین ۱۳۹۵، اعلام کرد که قصد ندارد با لغو محدودیت‌های موجود، به بانک‌های خارجی اجازه بدهد به دلار و از طریق نظام بانکی ایالات متحده با ایران همکاری کنند. اواما گفت: «ایران متن توافق هسته‌ای را رعایت کرده

1. George Daniels
2. National Emergency
3. Josh Earnest

ولی به روح آن احترام نگذاشته است، از جمله اقدام به آزمایش موشک‌های بالستیک کرده که روی آن‌ها به زبان عبری شعار نابودی اسرائیل نوشته شده بود» (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ ج). در یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته دیگر، دیوان عالی ایالات متحده^۱ چهارشنبه اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵، از ابطال آرای دادگاه نیویورک که در تاریخ ۲۳ خرداد و ۶ آبان ۱۳۸۷ حدود ۱,۷۵ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را مصادره و در اختیار شاکیان پرونده موسوم به پترسون^۲ قرار داده بود، خودداری کرد. در سال ۱۹۸۳ انفجاری در مقر تفنگداران امریکایی در بیروت رخ داد که بر اثر آن ۲۴۱ امریکایی کشته شدند. این دادگاه در حکمی نزدیک به ۲ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده ایران را به عنوان غرامت برای خانواده‌های قربانی اقدامات تروریستی ایران اختصاص داد (Atlantic, 2016). در اقدام ایران‌هراسانه دیگری، ایالات متحده روز پنج‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵، اعلام کرد که با بودجه‌ای ۸۰۰ میلیون دلاری سپر دفاع موشکی را در یک پایگاه بازمانده از دوره شوروی در رومانی فعال می‌کند. به گفته مقامات امریکایی این سامانه قرار است در مقابل موشک‌هایی دفاع کند که از ایران و کشورهای که «سرکش» می‌خوانند، پرتاب می‌شوند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ ج).

در خردادماه ۱۳۹۵، برخی از اعضای کنگره امریکا مدیران شرکت بوئینگ^۳ را احضار کردند تا به آن‌ها درباره ورود به بازار ایران هشدار دهند (Kredo, 2016). همچنین مجلس نمایندگان امریکا نیز روز پنج‌شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۵، در اولین سالگرد توافق هسته‌ای رأی به ممنوعیت خرید آب سنگین از ایران داد. این قانون ادارات و سازمان‌های دولتی امریکا را از استفاده بودجه فدرال برای خرید آب سنگین تولید شده در ایران منع می‌کند. دولت اواما پیشتر اعلام کرده بود که ۳۰ تن آب سنگین به ارزش ۸,۶ میلیون دلار از ایران خریداری می‌کند (پرس‌تی‌وی، ۲۰۱۶). در مهرماه ۱۳۹۵ نیز تعدادی از اعضای مجلس نمایندگان کنگره از هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه طی نامه‌ای به نماینده این کشور در سازمان تجارت جهانی^۴، خواستار مخالفت ایالات متحده با درخواست عضویت ایران در این سازمان شدند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰۱۶ ج).

اواما پنج‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۵، طی نامه‌ای به مجلس نمایندگان و سنا وضعیت اضطراری در قبال ایران را تمدید کرد. او در این نامه اظهار داشت: «روابط ما با ایران هنوز به حالت عادی بازنگشته است». فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ دولت ایالات متحده در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹، چند روز پس از

1. Supreme Court of the United States
2. Peterson
3. Boeing
4. World Trade Organization (WTO)

حمله به سفارت این کشور در تهران و با آغاز بحران گروگان‌گیری، توسط جیمی کارتر رئیس جمهوری وقت صادر شده بود (یورونیوز، ۲۰۱۶). در آخرین و مهم‌ترین اقدام صورت گرفته در دوران تصدی باراک اوباما نیز مجلس نمایندگان چهارشنبه ۲۶ آبان و سنای آمریکا پنج‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۵، طرح تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ایران^۱ را که ابتدا در سال ۱۹۹۶ در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون تصویب شده بود را تمدید کردند، این قانون سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی ایران را منع می‌کند (New York Times, 2016; Reuters, 2016).

در ادامه نیز با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶، ایران‌هراسی در سیاست خارجی آمریکا بیش از پیش تقویت شد. مایک پنس^۲ معاون ترامپ پیشتر در کارزار انتخابات تأکید کرده بود که ترامپ با رسیدن به کاخ سفید برجام را پاره خواهد کرد و به آن پایبند نخواهد بود (CBS News, 2016). ترامپ سپس در جایگاه رئیس جمهوری آمریکا نیز بارها برجام را «بدترین توافق ممکن» نامید که تعهد به آن به منافع آمریکا آسیب می‌رساند. از این جهت دولت او با تشدید ایران‌هراسی و ایجاد فضایی ترس‌آلود و بی‌ثبات، از یکسو کالای امنیت را به دیگران می‌فروشد (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۵۳)، در واقع دولت‌های خاورمیانه را از ایران می‌ترساند و بدین ترتیب برای رفع نگرانی آن‌ها اجازه خرید و دستیابی به جنگ‌افزارهای پیشرفته ایالات متحده را فراهم می‌کند و از سوی دیگر با تداوم سیاست‌های ایران‌هراسانه به بی‌ثباتی اقتصادی جمهوری اسلامی نیز دامن می‌زند.

دلایل تداوم ایران‌هراسی در دوران پسابرجام

نقش «مک‌کارتیسم جدید در بازار ایده‌ها» و تداوم ایران‌هراسی

با فرض اینکه دیدگاه‌های متعددی در خصوص نوع رابطه با ایران پس از برجام وجود دارد، چرا ایالات متحده و متحدانش (اسرائیل و عربستان) تاکنون برای دیدگاه خاصی اولویت قائل بوده‌اند؟ استدلال پژوهش حاضر بر این است که اردوگاه سازمان‌یافته‌ای در ایالات متحده وجود دارد که در خصوص نوع رابطه آمریکا با ایران هیچ دیدگاه مخالفی را برنمی‌تابد. روش آن‌ها را می‌توان «مک‌کارتیسم جدید آمریکایی»^۳ نامید که طی آن، مانند سناتور جوزف مک‌کارتی^۴ در سال‌های نخست جنگ سرد، از ایجاد رعب و وحشت برای سرکوب دیدگاه‌های مخالف استفاده

1. Iran Sanctions Act (ISA)

2. Mike Pence

3. New American McCarthyism

4. Joseph McCarthy

می‌شود (Islam, 2005: 82). مک‌کارتی، از حامیان عمده سرکوب و سانسور کسانی بود که کمونیست پنداشته می‌شدند. در این پژوهش اطلاق پسوند «جدید» به فضای مک‌کارتیسم به این دلیل است که برخی گروه‌های فشار و لابی‌های قدرتمند طی سال‌های اخیر، با برجسته ساختن مسائل مختلف مرتبط با ایران (از جمله فعالیت‌های هسته‌ای) برتری پارادایم خاصی همچون ایران‌هراسی و ضدیت با جمهوری اسلامی را حفظ می‌کنند. این لابی قدرتمند به صورت مشترک برای امریکا، اسرائیل و عربستان، یک مفروض اساسی دارد و آن اینکه یک «ایده» باید پاسخگوی نیازهای کشور بویژه در عرصه سیاست خارجی و امنیت ملی باشد که ایده ایران‌هراسی طی دهه گذشته به خوبی پاسخگوی نیازهای دولت‌های نامبرده بوده است.

دستیابی به توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی عمیقاً بر بازار ایده‌ها تأثیرگذار بوده و به ضرر برخی ایده‌های ضد ایرانی تمام شده است. این شکست، خشم و نگرانی جناح‌های تندرو را به همراه داشته و زمینه همکاری‌های وسیع‌تر اسرائیل و عربستان را فراهم کرده است. در دوران پس‌ابرجام، شاهد خط‌کشی‌هایی جدید در خاورمیانه هستیم که در یکسوی آن ایران و در سوی دیگر، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و اسرائیل قرار دارند. در یکی از تازه‌ترین اظهارنظرهای عمومی و طی نشست کمی‌سابقه در اندیشکده «سیاست خاور نزدیک و واشنگتن»^۱، شاهزاده ترکی‌الفیصل^۲ وزیر اطلاعات پیشین عربستان و یاکوف آمیدرور^۳ مشاور پیشین امنیت ملی دولت اسرائیل، همکاری دو کشور برای مقابله با تهدید ایران را دور از ذهن نخواندند (Washington Institute, 2016). علاوه بر این، رئیس لابی سعودی ساپراک^۴ در امریکا نیز خواستار رابطه با اسرائیل شد. سلمان‌الانصاری^۵ رئیس کمیته روابط عمومی سعودی-امریکایی ضمن تأکید بر این مسئله که اسرائیل می‌تواند در راستای توسعه اقتصادی عربستان طی سال‌های پیش‌رو کمک کند، اظهار داشت: «اسرائیل یکی از پیچیده‌ترین و فنی‌ترین پیشرفت‌ها در زمینه معدن را در اختیار دارد و سردمدار صنعت مهندسی آب در جهان است که هر دو زمینه، اهمیت زیادی برای توسعه پادشاهی سعودی دارند، همچنین دو رژیم دغدغه‌های امنیتی مشترکی دارند و هر دو با تهدیدات ثابتی از سوی ایران و گروه‌های افراطی مواجه‌اند... اسرائیل و عربستان سعودی می‌توانند ستون دوقلوی جدیدی برای ثبات منطقه باشند» (Haaretz, 2016).

1. The Washington Institute for Near East Policy
2. Turki Al-Faisal
3. Yaakov Amidror
4. Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)
5. Salman Al-Ansari

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا نیز در خردادماه ۱۳۹۶، کشورهای عربستان سعودی و اسرائیل را به عنوان اولین مقصد سفر خارجی خود انتخاب کرد. از مهم‌ترین اهداف این سفر که با محوریت ایران‌هراسی صورت گرفت؛ ایجاد اتحاد در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی و ارتقای توان نظامی هم‌پیمانان امریکا در برابر ایران بوده است. ترامپ طی این سفر میلیاردها دلار تجهیزات پیشرفته نظامی را به عربستان فروخت. به طور کلی راهبرد مشترک اسرائیل و عربستان در قبال ایران در دوران پسابرجام می‌تواند به این صورت باشد که اولاً، ایران را در راستای تخلف از تعهداتش برانگیزند. دوم، سیاست قاطعانه‌تری در مورد سوریه، یمن، لبنان و عراق اتخاذ کنند و به خلع سلاح عوامل نیابتی ایران در منطقه بپردازند. سوم، از طریق لابی‌های قدرتمندشان دولت امریکا و اعضای کنگره را متقاعد کنند که فشارها همچنان بر ایران باقی بماند و با تحریک کنگره به اعمال تحریم‌های بیشتر، جمهوری اسلامی را منزوی کنند.

نقش «هویت دولت» و تداوم ایران‌هراسی

ایران‌هراسی را می‌توان از منظر سازه‌انگاری محافظه‌کار (نسخه الکساندر ونت) این‌گونه تعریف کرد: شکل‌گیری هویت، فرآیند تعریف اجتماعی دولت‌ها از خود و یکدیگر است که در تعامل متقابل اجتماعی به سر می‌برند؛ ایران‌هراسی نوعی تعریف از ایران است که عمیقاً با شکل‌گیری تصویر نامطلوب از ایران ارتباط دارد و این کشور را به عنوان یک هویت متخاصم و تهدیدآمیز، بازنمایی^۱ می‌کند.

برای پرهیز از نگاه پارانوئید^۲ (توطئه‌انگاری) به مؤلفه ایران‌هراسی، باید اظهار داشت که ماهیت برساخته و تعاملی هویت که از دیدگاه سازه‌انگاران برآمده از فرآیند تعاملات بین‌الذلهانی کنشگران است، به ما نشان می‌دهد که نوع برداشت و ادراک دولت‌ها از یکدیگر به الگوی دوستی، رقابت یا دشمنی میان آن‌ها شکل می‌دهد. به همین دلیل هویت مورد نظر و منتسب به جمهوری اسلامی صرفاً محصول کنش‌ها و کردار امریکا نیست بلکه جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران نیز نقش مؤثری در بازنمایی هویت خود دارند. در واقع جمهوری اسلامی هزینه‌های بازنمایی از هویت خود و دیگری را پرداخت می‌کند و به همین دلیل برداشت سایر دولت‌ها بویژه ایالات متحده از ایران و اهدافش منفی است.

از جمله مهم‌ترین عناصر هویتی دولت ایالات متحده؛ دموکراسی، سرمایه‌داری و ارزش‌های

1. Representation
2. Paranoid

سنت لیبرال امریکایی هستند (زهرانی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). این در شرایطی است که جمهوری اسلامی با هویتی اسلامی-انقلابی، عمیقاً با دموکراسی به سبک غربی، سکولاریسم و لیبرالیسم ناسازگاری دارد. از منظر برسانان، سیاست خارجی پدید آورنده هویت سیاسی ملی^۱ دولت‌هاست؛ یعنی سیاست خارجی ابزاری هویت‌ساز است که مرزهای میان خود و دیگری^۲ را مشخص و طی این فرایند، هویت و منافع ملی را تعریف می‌کند (مساری^۳، ۱۳۹۲: ۲۲۵). هویت سیاسی ملی در اثر تماس و ارتباط با متحدان و دشمنان تولید و بازتولید می‌شود. سروکار داشتن با دشمنان، با مشخص کردن آنچه هویت ما نیست، هویت ما را تقویت می‌کند و آن چیزها را به منزله تهدیدی علیه آنچه خود قلمداد می‌شود، معرفی می‌کند (مساری، ۱۳۹۲: ۲۲۶). هویت، مفهومی رابطه‌ای است و سخن گفتن از خود هنگامی معنی می‌یابد که با دیگری رابطه‌ای در میان باشد. بسیاری جنگ سرد^۴ را عامل اصلی هویت امریکا می‌دانند، از منظر آن‌ها بدون جنگ سرد دلیلی برای امریکایی بودن نیز وجود نداشت. بدین ترتیب اگر پایان جنگ سرد عامل تشدید بحران هویت^۵ در امریکا بود؛ حوادث یازده سپتامبر با جایگزینی ایدئولوژی اسلامی به جای ایدئولوژی کمونیسم، به تقویت حس هویت ملی امریکا در قرن بیست و یکم منجر شد (زهرانی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۴). با معرفی ایدئولوژی اسلامی به عنوان دگر جدید در سیاست خارجی امریکا، جمهوری اسلامی نیز به عنوان یک هویت متخاصم بازنمایی شد. در دوران پسابرجام همچنان بازنمایی‌های منفی از ایران تداوم یافته و مانع از بهبود روابط دو کشور شده است.

جدول ۱- معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک هویت متخاصم و تهدیدآمیز پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

| دوران جنگ سرد | دوران پس از ۱۱ سپتامبر |
|--|---|
| ایدئولوژی کمونیسم | ایدئولوژی اسلامی |
| شوروی سردمدار و منشاء تهدید کمونیستی است. | جمهوری اسلامی منشاء تهدید اسلامی است. |
| شوروی یک قدرت اتمی و تهدیدی جدی برای موجودیت امریکا و متحدانش است. | ایران قدرتی هسته‌ای و چالشی جدی برای منافع امریکا و امنیت و ثبات متحدین منطقه‌ای آن یعنی اسرائیل و عربستان است. |

1. National Political Identity
2. Self & Other
3. Messari
4. Cold War
5. Identity Crisis

نقش «کنش‌های گفتاری» و تداوم ایران‌هراسی

ایران‌هراسی را می‌توان از منظر سازه‌انگاری قاعده‌محور (نسخه نیکلاس اونف) این‌گونه تعریف کرد: ایران‌هراسی یک قاعده پیچیده شامل مجموعه‌ای از کنش‌های گفتاری اظهاری، دستوری و تعهدی گویندگان است تا بدین ترتیب احتمال پذیرش هریک از کنش‌ها توسط شنوندگان را تضمین و تکالیف منفی آن‌ها در رابطه با ایران را افزایش دهد. موفقیت‌آمیز بودن این قاعده زمانی محتمل‌تر است که با اظهارات پیرامون پیامدها (مجازات یا پاداش) برای شنوندگان همراه باشد و میزان تأثیرگذاری این قاعده نیز به موقعیت گوینده آن که نهادی فرازبانی^۱ محسوب می‌شود، بستگی دارد. مطابق با این تعریف، هراس از ایران نه به عنوان یک واقعیت بنیادین بلکه به منزله محتوای قواعدی که از کارگزاران با هدف ساختن جهان به گونه‌ای خاص سرزده است، در نظر گرفته می‌شود.

سه شکل متفاوت کنش‌های گفتاری (اظهاری، دستوری و تعهدی)، سه شکل متفاوت از قواعد یعنی قواعد تعلیمی^۲، قواعد دستوری^۳ و قواعد تعهدی^۴ را ایجاد می‌کنند. بر اساس این قواعد نیز سه شکل از حکمرانی شامل هژمونی^۵، سلسله‌مراتبی^۶ و هترونومی^۷ (دگرمختاری) پدید می‌آید (کوبالکووا، ۱۳۹۲: ۹۷-۹۶).

الف- کنش‌های گفتاری «اظهاری»^۸ شنوندگان را به پذیرش محتوای پیشنهادات گویندگان فرا می‌خوانند. رد کردن یا نادیده گرفتن این اظهارات، تأثیر گویندگان را بر وضعیت جهان محدود می‌کند. همچنین پذیرش کنش‌های گفتاری اظهاری، نشان دهنده وجود تکلیفی برای تأیید آن اظهارات (از طرف شنوندگان) است (اونف، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۷). هنگامی که کنش‌های اظهاری از کنش‌های دیگر برجسته‌تر شوند هژمونی ظهور می‌کند؛ هژمونی به ترویج و بهره‌برداری از اصول و دستورالعمل‌هایی باز می‌گردد که بازیگران مسلط با استفاده از آن‌ها، معانی برداشت‌ها را به انحصار خود در می‌آورند و در مرحله بعد، دیگر بازیگران از همین تعریف‌ها و برداشت‌ها به صورت منفعلانه پیروی می‌کنند (Onuf, 1989: 209-210). در چنین شرایطی، جریان مستمر تولید و بازتولید واقعیت را به سختی می‌توان از واقعیت موجود تفکیک کرد (Onuf, 1989).

1. Extra Linguistic Institution
2. Instruction Rules
3. Directive Rules
4. Commitment Rules
5. Hegemony
6. Hierarchy
7. Heteronomy
8. Assertive Speech Acts

157). ایالات متحده امریکا همواره پس از انقلاب اسلامی ایران، اظهاراتی منفی علیه جمهوری اسلامی به کار برده که هدف اصلی این اظهارات مشروعیت‌زدایی، غیریت‌سازی مبتنی بر دشمن‌بودگی و دشمن‌پنداری، بازنمایی جمهوری اسلامی به عنوان محور شرارت، ناقص حقوق بشر، غیردموکراتیک، حامی تروریسم، تهدید علیه صلح و ثبات منطقه و جهان بوده است. با وجود برجام و تأیید فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، کنش‌های اظهاری منفی مقامات امریکایی همواره علیه جمهوری اسلامی تداوم یافته است.

ب- کنش‌های گفتاری «دستوری»^۱ شنوندگان را وادار می‌کنند تا کارهای تعیین شده را به منزله وظایف خود انجام دهند و رد کردن یا نادیده گرفتن آن‌ها، از تلاش گویندگان برای تغییر جهان جلوگیری می‌کند. کنش گفتاری دستوری در صورتی که با اظهارات پیرامون پیامدها و مجازات احتمالی همراه باشد فوق‌العاده مؤثر است (اونف، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۷). مثلاً برخی از قطعنامه‌های شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل که در قالب بیانیه، نیروی هنجاری مشترک تعداد زیادی از دولت‌ها را نمایش می‌دهند و یا قانون تحریم‌های ایالات متحده که لازم الاجراست.

پ- کنش‌های گفتاری «تعهدی»^۲ وضعیت‌هایی از امور را مشخص می‌کنند که گویندگان می‌خواهند آن‌ها را ایجاد کنند. کنش‌های تعهدی، شنوندگان را به پذیرش نیت‌های گویندگان برای تغییر جهان فرا می‌خوانند. رد کردن این کنش‌ها، پیامد منفی خاصی برای گوینده ندارد و تنها او را از زیر بار تکالیف و تعهدات خود خارج می‌کند؛ اما پذیرش آن‌ها، گوینده را دچار وضعیت «هترونومی یا دگرمختاری» می‌کند و مجبور می‌شود تا به تعهدات خود عمل کند (اونف، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۷). در کنش‌های تعهدی، کارگزاران با صداقت قصد دارند به گفته‌هایشان عمل کنند، در غیر این صورت آن‌ها را مطرح نمی‌ساختند. افزون بر این، در شرایط استفاده از این نوع کنش‌ها کارگزاران برای حفظ اعتبار و پرستیژ خود همواره مجبورند به اظهاراتشان پایبند بمانند. سخن گفتن فعالیت‌های دارای پیامدهای هنجاری است؛ هنگامی که سخن می‌گوییم واژه‌های ما در دیگران این انتظار را ایجاد می‌کنند که به شیوه خاصی - مطابق با نیت‌های اظهار شده - عمل کنیم و بدین صورت، نیت‌ها و طرح‌های ما پس از بیان شدن، محدودیت‌های هنجاری را بر اعمال ما تحمیل می‌کنند (اونف، ۱۳۹۲: ۱۱۰). از منظر شلینگ^۳

1. Directive Speech Acts
2. Commissive Speech Acts
3. Schelling

«تعهد را می‌توان وعده‌ای دانست که طرف دوم آن را کنترل می‌کند» (کوبالکووا، ۱۳۹۲: ۱۱۹). مسلماً اگر قواعد تعهدی را مبنای روابط و ساختار هترونومیک بدانیم؛ طبیعتاً ایالات متحده به تقویت چنین قواعدی تمایل نخواهد داشت، چراکه تن دادن به تعهدات نامتقارن حقوقی با ایران در قالب برجام یا توافقات مشابه احتمالی، مطمئناً حقوقی را برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند و از طرف دیگر تکالیف مضاعفی برای ایالات متحده به همراه خواهد داشت. این لحن غیرمتعهدانه به وضوح در مناظرات انتخاباتی ترامپ در خصوص لغو توافق هسته‌ای دیده شد. این مسئله به همین جا ختم نمی‌شود؛ این پژوهش استدلال می‌کند که یکی از مهم‌ترین دلایل تداوم ایران‌هراسی در دوران پسابرجام، استفاده امریکا از کنش‌های گفتاری تعهدی در قبال متحدان خود در خاورمیانه بوده است. برای نمونه وقتی ایالات متحده در بیانیه‌های خود اعلام می‌کند که قصد مهار تحرکات هسته‌ای و سیاست‌های توسعه‌طلبانه ایران را دارد تا از طریق انزوای سیاسی و اقتصادی این کشور صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و جهانی را تضمین کند و سایر دولت‌ها از جمله متحدین امریکا نیز در بیانیه‌های خود از این کنش استقبال می‌کنند؛ اعلام نظرهای متقابل منجر به ایجاد تکلیف در طرفین نمی‌شود اما چنین بیانیه‌هایی برای ایالات متحده این تکلیف خودساخته را ایجاد می‌کند که اقدامات نامبرده را انجام دهد و اگر از انجام آن‌ها سر باز زند؛ مورد سرزنش کارگزاران دیگر قرار می‌گیرد. این کارگزاران در دوران پسابرجام، رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی از جمله اسرائیل و عربستان سعودی بوده‌اند.

اگر کنش‌های گفتاری با پیامدهای احتمالی و نهادهای فرازبانی (مثلاً موقعیت گوینده) پشتیبانی شوند؛ نیروی هنجاری قدرتمندی می‌یابند و می‌توانند بر تعداد بیشتری از مخاطبان تأثیر بگذارند. رؤسای جمهور امریکا همواره این وضعیت را با اتکا به نهادها و شرایط فرازبانی محقق کرده‌اند. اعتبار هر اظهارنظری به موقعیت گوینده آن وابسته است. این مسئله چرایی تمکین سایر دولت‌ها، حتی مؤسسات و سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی از امریکا را نشان می‌دهد. موقعیت «نهادی فرازبانی» است که در تأثیرگذاری عبارات نقش دارد، در واقع نهادهای فرازبانی ویژگی‌هایی هستند که منجر به نفوذ کلام و اثربخشی بیشتر آن می‌شوند (اونف، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۲۳). مسلماً اظهارات رؤسای جمهور و سیاستمداران بلندپایه امریکا با توجه به جایگاه هژمونیک این کشور در نظام بین‌الملل حائز اهمیت است. بدین ترتیب این استدلال که هر تغییری در قواعد یک جامعه منجر به بازتعریف کارگزاران و روابط آن‌ها با یکدیگر می‌شود و این تغییر نیز به نوبه خود، قواعد [پیشین] را دگرگون می‌کند (Onuf, 1997: 7)، به خوبی علت نگرانی از برجام و

شکست قاعده ایران‌هراسی در امریکا را نشان می‌دهد. در دوران پسابرجام همچنان استفاده از کنش‌های گفتاری نامناسب تداوم یافته و این امر مانع از بهبود روابط دو کشور شده است.

اهداف تداوم ایران‌هراسی در دوران پسابرجام

القای هزینه‌مند بودن رابطه با ایران به منظور جلوگیری از بهبود اوضاع اقتصادی این کشور دولت اواما همواره برجرام را به عنوان یک دستاورد بزرگ در عرصه سیاست خارجی قلمداد می‌کرد و مراقب بود تا در روند اجرای کلیات آن خللی ایجاد نشود. در ماه مه ۲۰۱۶ جرت بلانک^۱، معاون هماهنگ کننده امور برجرام در وزارت خارجه امریکا در نشست ایران و اروپا گفت که «شرکت‌های اروپایی می‌توانند بدون نقض تحریم‌های امریکا فعالیت خود را در ایران گسترش دهند»، این اطمینان را پیش از او جان کری، وزیر امور خارجه نیز به شرکت‌های اروپایی داده بود (دویچه‌وله^۲ فارسی، ۲۰۱۶) اما سیاستی که خزانه‌داری امریکا و مخالفان سرسخت توافق هسته‌ای در مجلس نمایندگان و سنا پیش برده‌اند با این وعده‌ها انطباقی نداشت.

حسن روحانی در حاشیه هفتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۶ طی مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی امریکا در پاسخ به سؤالی پیرامون برجرام و میزان پابندی ایالات متحده به اجرای دقیق آن اظهار داشت: «خزانه‌داری امریکا به جای اینکه بانک‌های جهان را به اجرای برجرام تشویق کند، جملاتی را ادا می‌کند که آن‌ها را می‌ترساند و این باعث شده که برخی از بانک‌های بزرگ به خاطر اینکه می‌ترسند مورد تحریم خزانه‌داری امریکا قرار بگیرند؛ در مورد همکاری با ایران دچار تردید شوند و این یک تخلف بزرگ از طرف امریکا است» (NBC news, 2016). به طور کلی شکست فضای ایران‌هراسی و امید به آینده اقتصادی ایران می‌توانست از مهم‌ترین دستاوردهای توافق هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران باشد که به دلیل رویکرد خصمانه ترامپ و نقش اکثریت جمهوری‌خواه کنگره در حال تبدیل شدن به ناامیدی است.

بدون تردید گروه‌های فشار زمانی می‌توانند موفق‌تر عمل کنند که جو سیاسی حاکم به نفع آن‌ها باشد، از این رو در دولت ترامپ جناح بازها^۳ و نئومحافظه‌کاران امریکا، اسرائیل، عربستان و لابی‌های مرتبط با این دو کشور به همراه سازمان مجاهدین خلق از آزادی عمل بیشتری برای فشار

1. Jarrett Blanc
2. Deutsche Welle
3. Hawks

بر ایران برخوردارند. برخی از مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی از جمله جان بولتون^۱ (سفیر سابق ایالات متحده در سازمان ملل و مشاور امنیت ملی ترامپ)، الین چائو^۲ (وزیر حمل و نقل دولت ترامپ) و رودی جولیانو^۳ (شهردار سابق نیویورک و وکیل فعلی ترامپ) روابط بسیار نزدیکی با سازمان مجاهدین خلق داشته‌اند و از سوی این سازمان به منظور حمایت از مجاهدین و اعمال فشار بر ایران تأمین مالی شده‌اند (Jett, 2018: 82-83). ترامپ همچنین با انتخاب مایک پمپئو^۴ رئیس سابق سیا به سمت وزیر امور خارجه مسیر تقابل با ایران را با جدیت دنبال می‌کند. پمپئو همواره یکی از جدی‌ترین منتقدان فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده است.

به طور کلی شش هراس عمده مانع اصلی بانک‌ها، مؤسسات و سرمایه‌گذاران خارجی از ورود به بازار ایران و برقراری روابط تجاری و اقتصادی با این کشور شده است (ریسک‌سنجی^۵ بانک‌ها و مؤسسات خارجی):

الف - هراس ناشی از بازگشت تحریم‌ها علیه ایران؛ نقش کنگره، دیوان عالی و سیاست خارجی ترامپ
آنچه در این شرایط اهمیت دارد این است که پس از انتخابات ۲۰۱۶ در آمریکا، جمهوری خواهان از به اصطلاح پیروزی سه‌گانه بهره‌مند شده‌اند؛ کنترل ریاست جمهوری، هر دو مجلس نمایندگان و سنا، و دیوان عالی (Wallerstein, 2016). با توجه به موضع اکثریت جمهوری خواه کنگره، سرمایه‌گذاران، بانک‌ها و مؤسسات خارجی به خوبی می‌دانند که کنگره مخالف، راه‌های بیشتری برای ضربه زدن به اقتصاد ایران خواهد یافت. علاوه بر این، خروج آمریکا از برجام، اعمال مجدد تحریم‌ها و کنش‌های گفتاری منفی و خصمانه ترامپ علیه جمهوری اسلامی، فعالان اقتصادی داخلی و خارجی را عمیقاً نگران کرده است. چنانچه اشاره شد، پیشتر نیز با مجوز دیوان عالی آمریکا حدود ۱،۷۵ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران مصادره و در اختیار شاکیان پرونده موسوم به پترسون قرار گرفت که این مسئله اعتراض شدید جمهوری اسلامی را به همراه داشته است (Atlantic, 2016).

ب - هراس ناشی از مواضع و اظهارات دوگانه و متناقض نسبت به برجام
تلاش دولت اوباما برای شکستن فضای هراس^۶ حاکم بر بانک‌ها و مؤسسات بین‌المللی جهت بازگشت به ایران و دادن اطمینان لازم به آن‌ها درباره بی‌خطر بودن تجارت قانونی با ایران، در

1. John Bolton
2. Elaine Chao
3. Rudy Giuliani
4. Mike Pompeo
5. Risk Assessment
6. Frightful Atmosphere

سایه کارشکنی‌های مکرر تندرورها بی‌ثمر ماند. در دوران تصدی ترامپ نیز شرکت‌های خارجی پیام‌های ضد و نقیضی از طرف دولت‌های خود که مشوق تجارت با ایران هستند و از طرف امریکا که می‌گوید تحریم‌هایش را به شدت اعمال خواهد کرد، دریافت می‌کنند و نمی‌توانند از پایدار ماندن توافق هسته‌ای اطمینان حاصل کنند. از این‌رو هر اندازه که روشنگری بیشتری در خصوص سیاست خارجی جدید امریکا صورت گرفته، رفتار محتاطانه بانک‌ها و مؤسسات خارجی در قبال جمهوری اسلامی نیز بیشتر شده است.

پ- هراس ناشی از عدم تضمین خزانه‌داری امریکا به ایمن بودن تجارت با ایران هرچند شرکت‌های اروپایی در صف نخست رقابت برای ورود به بازار ۸۰ میلیون نفری ایران هستند، اما بانک‌های بزرگ اروپایی تمایلی به تأمین مالی فعالیت‌های مرتبط با ایران ندارند؛ زیرا همتایان آن‌ها طی سال‌های گذشته به دلیل همکاری با ایران متحمل جریمه‌هایی سنگین شده‌اند. «در سال ۲۰۱۴ بانک بی‌ان‌پی پاریباس^۱ فرانسه مجبور شد به دلیل معامله با ایران مبلغ بسیار سنگین ۹ میلیارد دلار به امریکا جریمه پرداخت کند. کامرزبانک^۲ آلمان نیز در سال ۲۰۱۵ به اتهام نقض تحریم‌های امریکا در قبال کشورهایی از جمله ایران به پرداخت ۱/۴۵ میلیارد دلار جریمه محکوم شد. بانک کردیت^۳ سوئیس نیز در سال ۲۰۰۹ به دلیل معامله با ایران مبلغ ۵۳۶ میلیون دلار جریمه شده است» (Nasseri, 2016). بدین ترتیب اکراه بانک‌های اروپایی از انجام تراکنش‌های بانکی به دلیل ترس از اقدامات تلافی‌جویانه خزانه‌داری امریکا، یکی دیگر از موانع عمده برای همکاری آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

ت- هراس ناشی از تحریم‌های اولیه و همچنان پابرجای امریکا با وجود تعلیق تحریم‌های هسته‌ای به موجب برجام، تحریم‌های دیگری که ایالات متحده به دلایلی همچون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و برنامه موشکی ایران به اجرا گذاشته بود، همچنان پابرجاست. قانون تحریم‌های ایران که به مدت ۱۰ سال تمدید شد و یا تحریم‌هایی که شامل ممنوعیت ارتباط مالی و تجاری شهروندان و مؤسسات امریکایی با ایران می‌شوند، از این دسته‌اند. در حال حاضر بانک‌های امریکایی حق ندارند با ایران معامله داشته باشند، بانک‌های خارجی نیز در عمل نمی‌توانند به دلار با ایران معامله کنند؛ زیرا دلار آن‌ها باید از سیستم مالی

1. BNP Paribas
2. Commerzbank
3. Credit

امریکا عبور کند. این ممنوعیت، فشار قابل توجهی بر ارتباط مالی ایران با سایر کشورها وارد کرده است. مقاله‌ای در بلومبرگ^۱ با انتشار نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از شرکت‌های بین‌المللی علاقه‌مند به تجارت با ایران، به دلیل ترس از تحریم‌های همچنان پابرجای آمریکا، از ورود به بازار ایران امتناع می‌کنند... دغدغه سرمایه‌گذاران خارجی جریمه شدن از سوی دولت آمریکا در صورت همکاری با ایران است (Nasseri, 2016).

ث- هراس ناشی از مبهم بودن قوانین تحریم‌های موجود

ایالات متحده بعد از یک دهه هراس افکنی و وضع جریمه‌های سنگین علیه کسانی که می‌خواستند با ایران تجارت کنند؛ در دوران پسابرجام خودش را کنار کشیده و تلاش مؤثری جهت شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی در خصوص پیامدهای احتمالی معامله با ایران انجام نداده است. *نایچل کوشنر* (مسئول حقوقی شرکت لگال انگلستان) دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ در همایش ریل- نفت و ریل- بندر^۲ اظهار داشت: «مشکل اساسی بانک‌های بزرگ اروپایی برای ارتباط با ایران، در دسترس نبودن فهرست افراد و شرکت‌های موجود در لیست سیاه تحریم‌های آمریکا است... ما به دنبال همکاری با شرکت‌های ایرانی و رفع تحریم‌های بانکی هستیم ولی این فهرست را به طور کامل در اختیار نداریم و نگرانیم» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵).

ج- هراس ناشی از حضور نام ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی^۳

جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۰ تاکنون در لیست سیاه این سازمان قرار داشته است. گروه ویژه در یکی از آخرین گزارش‌های خود درباره ایران، به طور استثنایی نگران فعالیت‌های پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم توسط جمهوری اسلامی است و از کشورها می‌خواهد اقدامات احتیاطی را علیه ایران به اجرا بگذارند (FATF, 2016). جمهوری اسلامی از گروه‌های سیاسی مسلح با عنوان گروه‌های مقاومت^۴ حمایت می‌کند. حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین از مهم‌ترین گروه‌های مسلح تحت حمایت ایران هستند. آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس، حزب‌الله را گروهی تروریستی می‌دانند. حماس نیز در آمریکا، اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر گروهی تروریستی محسوب می‌شود. هرچند رژیم تحریم‌های آمریکا مستقل از گروه ویژه اقدام

1. Bloomberg

2. Rail-Oil and Rail-Ports

3. The Financial Action Task Force (FATF)

4. Resistance Groups

مالی است اما تروریستی خواندن عوامل نیابتی ایران از جانب امریکا، جمهوری اسلامی را ذیل توصیه این سازمان در خصوص تأمین مالی تروریسم قرار می‌دهد و همین مسئله هزینه‌های تجارت و معامله با ایران را به طور جدی افزایش داده است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی پس از سال‌ها تحمل فشارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، حال می‌بایست علاوه بر حفظ ارتباط مؤثرش با آژانس، تحت فشارهای گروه ویژه اقدام مالی نیز قرار گیرد. با این تفاوت که دومی می‌تواند به استحاله ایدئولوژیکی، هویتی و ارزشی نیز منجر شود.

تغییر رفتار جمهوری اسلامی نسبت به برخی مسائل داخلی و منطقه‌ای

با توجه به اینکه در دوران پساجام تحریم‌های مرتبط با نقض حقوق بشر، برنامه موشکی و حمایت از تروریسم به قوت خود باقی مانده و به شدت اعمال می‌شوند؛ ایران‌هراسی به منظور تغییر رفتار جمهوری اسلامی در دو عرصه داخلی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد.

داخلی

«حقوق بشر»^۱

جمهوری اسلامی از زمان بحران گروگان‌گیری همواره متهم به نقض حقوق بشر بوده است. اتهامات نقض حقوق بشر در ایران از تبعیض و اعمال فشار بر اقلیت‌های دینی و قومی، زنان، فعالان سیاسی - مدنی و دانشجویی، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و دوتابعیتی‌ها تا اجرای گسترده مجازات اعدام را شامل می‌شود. جمهوری اسلامی، اتهامات نقض حقوق بشر را به شدت رد می‌کند و در مقابل، همواره از تلاش ایالات متحده برای سیاسی کردن، برخورد گزینشی و اتخاذ استانداردهای دوگانه در رابطه با حقوق بشر انتقاد کرده است. طرح تأسیس دفتر اتحادیه اروپا در تهران را می‌توان از جمله تلاش‌هایی هدفمند در جهت تغییر رفتار جمهوری اسلامی در قبال مسائل حقوق بشری دانست. درخواست و پیشنهاد تأسیس این دفتر در پی بیانیه پارلمان اروپا، سه‌شنبه ۴ آبان ۱۳۹۵ مطرح شد. در این بیانیه از مقامات جمهوری اسلامی به خصوص مسئولان قوه قضائیه خواسته شده که در این باره با اتحادیه اروپا گفت‌وگو کنند. در این راستا، ایالات متحده نیز همواره از هر نوع اهرم فشار حقوق بشری علیه ایران حمایت کرده است. وزارت خارجه امریکا روز جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۹۷ با انتشار گزارشی، دولت‌های چین، روسیه، ایران و کره شمالی را دولت‌هایی «بی‌ثبات کننده» توصیف کرد که حقوق بشر شهروندان خود را «به طور روزمره» پایمال می‌کنند و به

این دلیل دولت‌هایی «از نظر اخلاقی قابل نکوهش» هستند (VOA, 2018).

«آزمایش‌های موشکی»^۱

آنچه امریکا پیرامون ترس از حملات موشکی ایران اعلام می‌کند، در واقع تداوم پروژه ایران‌هراسی است که باعث شده تا کشورهای غربی فشارهای مضاعفی برای مهار این نوع از فعالیت‌های ایران تحمیل کنند. استقرار سامانه‌های دفاعی در اروپای شرقی به بهانه خطر ایران و همچنین تحریم‌های موشکی جدید علیه جمهوری اسلامی ناشی از تبلیغات توسعه‌ی توان موشکی در ایران، از جمله آزمایش موشک‌های بالستیک بود که روی آن‌ها به زبان عبری جمله معروف بنیان‌گذار جمهوری اسلامی؛ «اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود» نوشته شده بود، همچنین نمایش تونل‌های زیرزمینی موشک‌های سپاه نیز بهانه‌های لازم برای ایران‌هراسی را به دست تندروهای امریکایی، اسرائیل و عربستان داده است. آوی‌دیختر^۲ رئیس پیشین دستگاه امنیتی اسرائیل (شاباک)^۳ و رئیس کمیته امنیت و امور خارجی پارلمان اسرائیل (کنست)^۴ در گفت‌وگویی مشترک با نمایندگان پارلمان سوئیس اظهار داشت: «همه باید این سؤال را از خود پرسند که چرا ایران موشک‌هایی با برد دو هزار کیلومتر تولید می‌کند در حالیکه این برد، دو برابر فاصله اسرائیل از ایران است، مصر و عربستان سعودی نیز در این برد قرار می‌گیرند... ایران دو هزار سال پیش یک امپراتوری بوده و امروز به دنبال احیای مجدد همان امپراتوری است». او همچنین در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گفت: «اسرائیل معتقد است که ایران برنامه هسته‌ای خود را از بین نبرده، بلکه تنها آن را متوقف کرده تا برای مدتی طولانی با غرب بازی کند، از این جهت می‌بایست به طور یکپارچه به مهار برنامه موشکی ایران پردازیم» (Baker, 2016). بدین ترتیب القاء تهاجمی بودن فناوری‌های تدافعی ایران یکی دیگر از ابعاد ایران‌هراسی است که به طور جدی توسط دولت‌های امریکا، اسرائیل و عربستان پیگیری می‌شود.

منطقه‌ای؛ «حمایت از تروریسم»^۵

در دوران پسابرجام اتهام حمایت ایران از تروریسم، بیشتر متوجه حمایت از حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن بوده است. از منظر تندروها و نومحافظه‌کاران امریکایی، یکی از نتایج آزادسازی

1. Missile Tests
2. Avi Dichter
3. Shabak
4. Knesset
5. Support for Terrorism

دارایی‌های بلوکه شده ایران، افزایش توانمندی‌های عوامل نیابتی این کشور در منطقه بوده است، از همه مهم‌تر اینکه برجام توانسته سپاه پاسداران را قدرتمندتر سازد. به تخمین آن‌ها «بین ۲۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد ایران تحت کنترل سپاه بوده و درآمد این نهاد می‌تواند تا یک ششم تولید ناخالص داخلی ایران را شامل شود. سپاه حداقل در ۲۲۹ شرکت حضور و نفوذ جدی داشته ولی فقط حدود ۱۰ درصد این شرکت‌ها در فهرست تحریم اتحادیه اروپا و امریکا قرار گرفته‌اند، نهایتاً اینکه فعالیت‌های اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم این نهاد موجب می‌شود که رفع تحریم‌ها، شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران را قدرتمندتر سازد» (Foundation for Defense of Democracies, 2016). از دیدگاه ترامپ، بولتون و پمپئو، بهبود اوضاع اقتصادی ایران این امکان را به جمهوری اسلامی می‌دهد تا به پیگیری سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در منطقه پردازد و حوزه نفوذش را گسترش دهد، از این رو می‌بایست با ایجاد موانع متعدد هرگونه دسترسی ایران به سرمایه‌های خارجی را محدود کرد.

پیامدهای تداوم ایران‌هراسی در دوران پسابرجام

احتمال فروپاشی برجام

جان مرشایمر^۱ استاد واقع‌گرای روابط بین‌الملل در کتاب «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»^۲، متهم شدن امریکا به دورویی و ریاکاری را ناشی از تعارض میان سیاست‌های اعلامی لیبرالیستی و سیاست‌های اعمالی رئالیستی این کشور می‌داند. از دیدگاه مرشایمر اگرچه گفت‌وگوهای عمومی پیرامون سیاست خارجی امریکا همواره به زبان لیبرالیسم ادا می‌شود، اما این کشور در حوزه عمل غالباً مطابق با منطق رئالیسم رفتار می‌کند و به زبان قدرت سخن می‌گوید، از این جهت بین عملکرد واقعی سیاست خارجی امریکا و آنچه بدان تظاهر می‌کند شکاف عمیقی وجود دارد... «دیگر باید برای ناظران آگاه روشن شده باشد که ایالات متحده بر خلاف آنچه می‌گوید عمل می‌کند»^۳ (Mearsheimer, 2001: 26). در دوران ترامپ، امریکا احترامی برای مقررات و هنجارهای بین‌المللی قائل نیست و با برخورد گزینشی استانداردهایی دوگانه اتخاذ می‌کند. ترامپ با بی‌توجهی به آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی که بارها پایبندی ایران به برجام را تأیید کرده بود و با بی‌احترامی نسبت به مصوبه شورای امنیت سازمان ملل که برجام مصوبه این شورا محسوب می‌شود و در نهایت علیرغم

1. John Mearsheimer

2. The Tragedy of Great Power Politics

3. "It should be obvious to intelligent observers that the United States speaks one way and acts another."

مخالفت کشورهای اروپایی، روسیه و چین در سخنرانی ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ در مورد استراتژی جدید خود پیرامون ایران^۱، پایبندی تهران به برجام را تأیید نکرد (whitehouse.gov, 2017) و در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ نیز رسماً کشورش را به طور یکجانبه از توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی خارج کرد. او همزمان با خروج از برجام، فرمانی را امضا کرد که بر اساس آن تحریم‌های هسته‌ای ایران که به موجب برجام تعلیق شده بودند، طی یک دوره زمانی مجدداً اعمال می‌شوند. ترامپ همچنین تلاش می‌کند تا از طریق دستورات اجرایی و تحریم‌های جدید علیه اشخاص و شرکت‌های ایرانی و یا از طریق هدایت خزانه‌داری به اعمال تحریم‌های برون‌مرزی، شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی و آسیایی که با ایران تعاملات تجاری دارند را از دسترسی به سیستم مالی امریکا منع کند و بدین ترتیب فشارهای مضاعفی بر اقتصاد جمهوری اسلامی وارد نماید. مجموعه اقدامات نامبرده عملاً به معنای ناکامی ایران در بهره‌مندی از مزایای توافق هسته‌ای، نقض کامل و حتی فروپاشی تدریجی برجام است.

در مقابل نیز آیت‌الله خامنه‌ای سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۵، در دیدار مسئولان نظام اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ابتدائاً برجام را نقض نخواهد کرد، زیرا وفای به عهد دستور قرآنی است، اما اگر تهدید نامزدهای ریاست جمهوری امریکا مبنی بر پاره کردن برجام عملی شود، جمهوری اسلامی برجام را آتش خواهد زد که این کار هم دستوری قرآنی درباره نقض عهد متقابل است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). رهبر جمهوری اسلامی ایران، همچنین به دلیل خروج امریکا از توافق هسته‌ای و چشم‌انداز مبهم همکاری کشورهای اروپایی با ایران، دوشنبه ۱۴ خردادماه ۱۳۹۷ اظهار داشت: «ملت و دولت ایران تحمل نمی‌کند هم تحریم شود و هم در محدودیت و حبس هسته‌ای باشد؛ سازمان انرژی هسته‌ای موظف است سریعاً مقدمات و آمادگی لازم برای رسیدن به ۱۹۰ هزار سو را -فعالاً در چارچوب برجام- فراهم کند و برخی مقدمات دیگر را که رئیس‌جمهور دستور داده از همین فردا آغاز کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). مقامات جمهوری اسلامی همواره بر این باورند که دولت امریکا به دلیل بدعهدی‌های مکرر، مجدداً موفق به ایجاد اجماعی بین‌المللی برای تحریم ایران نخواهد شد، همچنین امریکا و اسرائیل توانایی هیچ‌گونه حمله نظامی به ایران را نیز ندارند. «امروز برخی در کشور درصدد این هستند که یک شکل معیوب از برجام را به کشور تحمیل کنند، یک عده‌ای در داخل می‌گویند اگر این نشود، جنگ خواهد شد؛ نه آقا، این دروغ است، این تبلیغ به نفع دشمن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). جمهوری اسلامی همچنین هشدار داده است که

چنانچه برجام اروپایی به دلیل تداوم سیاست‌های ایران‌هراسانه امریکا دستاورد عینی و ملموس بویژه در حوزه‌های اقتصادی نداشته باشد، حق ایران برای آغاز فعالیت‌های هسته‌ای و حتی خروج از برجام و ان پی تی^۱ محفوظ است.

باز تولید مجدد الگوی تخاصم و دشمنی بین دو کشور

«هنگام قرار گرفتن در موقعیت انتخاب سیاست‌ها، برسازان نظرشان به سیاست‌هایی خواهد بود که مؤید اهداف و ارزش‌های اخلاقی باشند، سیاست‌ها باید به ترتیبی موجب افزایش آگاهی مشترک شوند که به ایجاد جهانی صلح‌آمیزتر و برابرتر، مقاومت در برابر کنترل چیرگی جویان و پیشبرد رهایی بشر کمک کند... آن‌ها خواستار ایجاد آگاهی مشترک جدید و باورهای تازه‌ای هستند که به تحقق چنین هدف‌هایی یاری رساند» (چرنوف^۲، ۱۳۹۳: ۱۵۰). برجام مصداق عینی تحقق چنین نگرش سازه‌انگاران است. خروج امریکا از توافق تضمین شده توسط قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، ساختارشکنانه و ناقض رژیم حقوق بین‌الملل است. برسازان معتقدند که چشم‌پوشی از نقض حقوق بین‌الملل، آن را به شدت تضعیف می‌کند چراکه حقوق بین‌الملل یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تولید نوع درست «چارچوب ادراکی مشترک»^۳ است (چرنوف، ۱۳۹۳: ۱۵۱). از این رو بی‌توجهی و عدم پایبندی به برجام، می‌تواند نقش مؤثری در بازتولید الگوی تخاصم و دشمنی ایفا کند.

از منظر چرنوف (۱۳۹۳: ۱۵۲) دو اصل کلی و مهم برسازی شامل «تأثیر اقدام دولت‌ها بر سرشت جامعه‌شناختی نظام» و «نقش آگاهی مشترک در گشایش گزینه‌های مطمئن» است. سرشت جامعه‌شناختی نظام را می‌توان با اقدامات واحدهای نظام بین‌الملل دگرگون ساخت؛ از این رو می‌توان استدلال کرد که معمای امنیت^۴ تنها در یک نوع ساختار آنارشیک، یعنی نظام بین‌الملل هابزی بروز پیدا می‌کند. حال آنکه می‌توان برای آنارشی اشکال مختلف دیگری همچون اقتدارگریزی لاکی و حتی اقتدارگریزی کانتی نیز متصور شد؛ «آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند و از آن برداشت می‌کنند» (Wendt, 1992). از سوی دیگر تقویت گنجینه آگاهی مشترک از طریق تعامل و ارتباط مؤثر ایران و امریکا در نظام بین‌الملل به اعتماد متقابل، درک مشترک و تفاهم کمک می‌کند. برجام می‌تواند نظام بین‌الملل را به سمت نوعی ساختار

1. Non-Proliferation Treaty (NPT)
2. Chernoff
3. Shared Perceptual Framework
4. Security Dilemma

جامعه‌شناختی پیش‌بردد که در آن، الگوی دشمنی کمرنگ و الگوهای رقابت و دوستی تقویت شوند. در واقع برجام وضعیت بین تنش‌زدایی و تنش‌زایی است. از این‌رو هم امکان تقویت آن به منظور یافتن گزینه‌های صلح و هم امکان تخریب آن و بازتولید مجدد الگوی تخاصم و دشمنی بین ایران و امریکا نیز وجود دارد. برای تقویت برجام، پیگیری تدابیر اعتمادزا^۱ از سوی هر دو طرف ضرورت دارد که البته تشدید سیاست‌های ایران‌هراسانه ترامپ، مانع از پیگیری این مؤلفه اساسی شده است.

نتیجه‌گیری

اهمیت این پژوهش در تمرکز بر هستی‌شناسی معناگرا-مادی‌گرای سازه‌انگاری است؛ آنچه باعث شده تا این رویکرد به عنوان زمینه‌میان^۲ شناخته شود. در کنار عوامل مادی از جمله تحریم‌ها و جرمه‌ها، عوامل معنایی همچون ایران‌هراسی، حافظه تاریخی، بازنمایی‌های منفی از هویت خود و دیگری و استفاده از کنش‌های گفتاری نامناسب از موارد نافرجامی برجام محسوب می‌شوند که کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. این پژوهش با تحلیلی محافظه‌کارانه از سازه‌انگاری، استدلال می‌کند که امریکا به دلیل تضاد هویتی با ایران، بی‌اعتمادی شدید و بلندمدت نسبت به این کشور و با استناد به دلایلی همچون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و انجام آزمایش‌های موشکی، همچنان جمهوری اسلامی را به عنوان یک هویت متخاصم شناسایی و بازنمایی می‌کند.

همچنین استدلال دیگر مقاله بر اساس سازه‌انگاری قاعده‌محور، این است که امریکا برای نزدیک به چهار دهه از مجموعه کنش‌های گفتاری (دستوری، اظهاری و تعهدی) علیه جمهوری اسلامی استفاده کرده است. رویه‌های گفتاری، امکان بازنمایی جهان بیرونی را می‌دهند و کارگزاران نیز بر اساس همین بازنمایی‌ها در جهان بیرونی کنش می‌کنند. چشم‌پوشی امریکا از کنش‌های گفتاری دستوری و اظهاری، در دوران پسابرجام امکان‌پذیر است اما زیر پا گذاشتن قواعد تعهدی پیش‌ساخته دشوار است. بی‌توجهی به تعهدات پیشین و مماشات در برابر جمهوری اسلامی می‌تواند سوءظن، سرزنش و واکنش شدید متحدین امریکا از جمله اسرائیل و عربستان را به همراه داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت روحانی این است که گفتمان اعتدال‌گرایی^۳، از طریق

1. Confidence-Building Measures (CBMs)

2. Middle Ground

3. Moderation Discourse

برجام و گسترش ارتباط ایران با جهان خارج، در تصویر برساخته امریکا از ایران تردید ایجاد کرده و به انحصار حقیقت درباره ایران پایان داده است و این مسئله تلاش برخی جناح‌های تندرو جهت حفظ و برتری ایده ایران‌هراسی را دو چندان کرده است. عوامل مادی و معنایی هر دو، گزینه‌های سیاست‌گذاری و رفتار بازیگران را تعیین یا محدود می‌کنند و بدون توجه به عوامل معنایی (آنچه مقامات ایران و امریکا از آن تحت عنوان روح برجام یاد می‌کنند)، توافق هسته‌ای شرط لازم اما شرط کافی برای ادغام ایران در جامعه جهانی نیست. اختلافات جمهوری اسلامی و ایالات متحده صرفاً بر سر پرونده هسته‌ای نبود که با توافق بر سر همین مسئله، تمامی اختلافات حل و فصل شوند.

منابع

الف - منابع فارسی

- اونف، نیکلاس، (۱۳۹۲)، سخن گفتن درباره سیاست، در *وندولکا کوبالکووا (ویراستار): سیاست خارجی در جهان بر ساخته*، (۱۳۶-۱۰۹)، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بعیدی‌نژاد، حمید، (۱۳۹۴)، *گام به گام با برج‌جام، از آغاز تا فرجام*، چاپ اول، تهران: نشر مخاطب.
- چرنوف، فرد، (۱۳۹۳)، *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض*، ترجمه: علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- چشمه‌نور، مرتضی، (۱۳۹۳)، *از اسلام‌هراسی تا ایران‌ستیزی*، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- رام، هگایی، (۱۳۹۱)، *ایران‌هراسی (ایرانوفوبیا): منطق نگرانی اسرائیل*، ترجمه: فریدون مجلسی، چاپ اول، تهران: مروارید.
- زهرانی، مصطفی، (۱۳۹۲)، *بررسی انتقادی سیاست خارجی امریکا*، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه.
- کوبالکووا، وندولکا، (۱۳۹۲)، *سیاست خارجی در جهان بر ساخته*، ترجمه: مهدی میرمحمدی؛ علیرضا خسروی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوورت، پال، (۱۳۹۲)، *به سوی یک نظریه سازه‌انگاران از سیاست خارجی*، در *وندولکا کوبالکووا (ویراستار): سیاست خارجی در جهان بر ساخته*، (۳۰۰-۲۷۷)، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مساری، نزار، (۱۳۹۲)، *هویت و سیاست خارجی: مطالعه موردی اسلام در سیاست خارجی*، در *وندولکا کوبالکووا (ویراستار): سیاست خارجی در جهان بر ساخته*، (۲۵۲-۲۲۵)، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسویان، سیدحسین، (۱۳۹۴)، *ایران و امریکا؛ گذشته شکست‌خورده و مسیر آشتی*، ترجمه: محمدرضا رضایی‌پور، چاپ دوم، تهران: تیسرا.
- یزدان‌فام، محمود، (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، دوره ۱۹، شماره ۷۴*.
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ الف)، *امریکا تحریم‌های تازه موشکی علیه ایران اعمال کرد*، بازیابی شده در ۳ نوامبر ۲۰۱۶،

- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ ب)، قانون تازه محدودیت ویزای امریکا اجرایی شد، بازیابی شده در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۶،
- http://www.bbc.com/persian/iran/2016/01/160121_l30_iran_us_new_visa_program
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ پ)، اواما: با وجود توافق هسته‌ای وضعیت اضطراری علیه ایران تمدید می‌شود، بازیابی شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶،
- http://www.bbc.com/persian/iran/2016/03/160309_l26_iran_us_obama_national_emergancy_sanctions .
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ ت)، گزارش سالانه امریکا: ادامه نقض حقوق بشر در ایران، بازیابی شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶،
- http://www.bbc.com/persian/iran/2016/04/160413_u01_human_rights
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ ث)، امریکا امکان استفاده ایران از دلار در مبادلات خارجی را دست بررسی دارد، بازیابی شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶،
- http://www.bbc.com/persian/iran/2016/03/160331_l03_us_iran_sanction_dollar.
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ ج)، امریکا استفاده ایران از دلار در مبادلات خارجی را رد کرد، بازیابی شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶،
- http://www.bbc.com/persian/world/2016/04/160404_u01-usa-iran-sanctions-dollars
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ چ)، انتقاد پوتین از گسترش سپر دفاع موشکی ناتو، بازیابی شده در ۱ نوامبر ۲۰۱۶،
- http://www.bbc.com/persian/world/2016/05/160513_u08_putin_missile_shield
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ ح)، قانون‌گذاران امریکایی خواستار جلوگیری از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی شدند، بازیابی شده در ۲۹ اکتبر ۲۰۱۶،
- <http://www.bbc.com/persian/business-37582808>
- بی‌بی‌سی فارسی، (۲۰۱۶ خ)، ایران، انتقاد مجمع عمومی از وضعیت حقوق بشر در این کشور را مردود دانست، بازیابی شده در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶،
- <http://www.bbc.com/persian/iran-37996736>
- پرس‌تی‌وی، (۱۳۹۵)، مجلس نمایندگان امریکا قانون منع خرید آب سنگین از ایران را تصویب کرد، بازیابی شده در ۲ نوامبر ۲۰۱۶،
- <http://presstv.ir/Detail/Fa/2016/07/14/475105/us-ban-heavy-water-iran>
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۵)، دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب. بازیابی شده در ۴ نوامبر ۲۰۱۶،
- <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33352>
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی. بازیابی شده در ۴ ژوئن ۲۰۱۸،
- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39796>
- خبرگزاری فارس، (۱۳۹۵)، اظهارات صریح مدیر شرکت انگلیسی درباره گره‌های برجام. بازیابی شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶،
- <http://www.farsnews.com/13950227000722>

- دویچه‌وله، (۲۰۱۶)، برجام، کلیدی که هنوز قفل اقتصاد ایران را باز نکرده، بازیابی شده در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۶، <http://p.dw.com/p/1JP7Z>.
- یورونیوز، (۲۰۱۶)، باراک اوباما وضعیت اضطراری در قبال ایران را تمدید کرد، بازیابی شده در ۴ نوامبر ۲۰۱۶، <http://fa.euronews.com/2016/11/04/barack-obama-extends-national-emergency-against-iran>.

ب - منابع انگلیسی

- Islam, Iyanatul, (2005), *Anti-Americanism in the Muslim world*, In B. O'Connor & M. Griffiths (Eds.), *The rise of Anti-americanism*, London: Routledge.
- Jett, Dennis, (2018), *The Iran Nuclear Deal: Bombs, Bureaucrats, and Billionaires* (1st ed.), Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Maslow, Abraham, (1970), *Motivation and Personality* (2nd ed.), New York: Addison-Wesley Educational Publishers.
- Mearsheimer, John, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics* (1st ed.), New York: W. W. Norton & Company.
- Onuf, Nicholas, (1989), *World of our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations*, Columbia, SC: University of South Carolina Press.
- Onuf, Nicholas, (1997), "Constructivist Manifesto", In K. Burch & R. Allen Denmark (Eds.), *Constituting International Political Economy*, Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Siegfried Schieder and Manuela Spindler, (2014), *Theories of International Relations*, United Kingdom: Routledge.
- Wendt, Alexander, (1992), "Anarchy is what States make of it: The Social Construction of Power politics", *International Organization*, Vol. 46, No. 2.
- Wendt, Alexander, (1994), "Collective Identity Formation and the International State", *American Political Science Review*, Vol. 88, No. 2.
- Wendt, Alexander, (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Atlantic, (2016, April 20), "What the Supreme Court's Ruling on Iranian Assets Means". Retrieved from <http://www.theatlantic.com/politics/archive/2016/04/bank-markazi/479190>.
- Baker, Luke, (2016, November 3), "Iran Commands 25, 000 Shi'ite Fighters in Syria: Israeli official", Retrieved November 5, 2016, from <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-israel-idUSKBN12Y1VK>.
- CBS NEWS, (2016), "Pence Goes Farther than Trump on Iran Deal, Says US will 'rip up'", Retrieved February 8, 2017, from CBS NEWS, <http://www.cbsnews.com/news/pence-goes-farther-than-trump-on-iran-deal-says-us-will-rip-up>.
- FATF-Gafi, (2016), FATF Public Statement – 19 February 2016. Retrieved December 4, 2016, from <http://www.fatf-gafi.org/publications/high-riskandnon-cooperativejurisdictions/documents/public-statement-february-2016.html>.
- Foundation for Defense of Democracies, (2016), "How the Nuclear Deal

Enriches Iran's Revolutionary Guard Corps", Retrieved November 2, 2016, from <http://www.defenddemocracy.org/media-hit/emanuele-ottolenghi-how-the-nuclear-deal-enriches-irans-revolutionary-guard-corps/>.

Haaretz, (2016, October 14), "Saudi Lobbyist Calls for Normalization with Israel", Retrieved from <http://www.haaretz.com/israel-news/1.747362>.

Kredo, Adam, (2016, May 20), "Boeing's Budding Business Ties to Iran Face Congressional Review", Retrieved October 28, 2016, from <http://freebeacon.com/national-security/boeings-budding-business-ties-iran-face-congressional-review>.

Maupin, Caleb, (2016), "After Nuclear Deal Wall Street still Wants Iranian Blood | new eastern outlook". Retrieved October 29, 2016, from <http://journal-neo.org/2016/03/21/after-nuclear-deal-wall-street-still-wants-iranian-blood>.

Nasseri, Ladane, (2016, May 17), "Executives are Confused by Iran Sanctions", Retrieved from, <http://www.bloomberg.com/news/articles/2016-05-17/iran-s-allure-tempered-by-confusion-on-sanctions-survey-shows>.

NBCnews, (2016, September 22), "Iranian President Rouhani Says Nuke Deal will Outlast U.S. Elections", Retrieved from <http://www.nbcnews.com/meet-the-press/chuck-todd-s-exclusive-iranian-president-rouhani-n652831>.

Nytimes, (2016, November 15), "House Votes to Extend Iran Sanctions in Bid to Censure Nuclear Compliance", Middle East. Retrieved from <http://www.nytimes.com/2016/11/16/world/middleeast/iran-sanctions-extended.html>.

Reuters, (2016, December 1), "Extension of Iran Sanctions act Passes U.S. Congress". Retrieved December 1, 2016, from <http://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear-usa-sanctions-idUSKBN13Q5JW>.

U.S. Department of the Treasury, (2016, March 24), "Treasury Sanctions Supporters of Iran's Ballistic Missile Program and Terrorism-designated Mahan air". Retrieved October 29, 2016, from www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl0395.aspx.

VOA, (2018, April 21), "US Says China, Iran, Russia Are Forces for Instability", Retrieved April 25, 2018, from <https://www.voanews.com/a/us-says-china-iran-russia-are-forces-for-instability/4358180.html>

Wallerstein, Immanuel, (2016, November 15), "The U.S. Election: It's over at last, or is it?" Retrieved December 1, 2016, from iwallerstein.com/the-u-s-election-its-over-at-last-or-is-it.

Washingtoninstitute, (2016), "A Conversation on Security and Peace in the Middle East". Retrieved November 2, 2016, from <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/a-conversation-on-security-and-peace-in-the-middle-east>.

Whitehouse.gov, (2017), "President Donald J. Trump's New Strategy on Iran". Retrieved October 13, 2017, from <https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/10/13/president-donald-j-trumps-new-strategy-iran>.